

شرق

روزنامه

شنبه ۳ خرداد ۱۳۹۹ • ۲۹ رمضان ۱۴۴۱ • ۲۳ می ۲۰۲۰
سال هفدهم • شماره ۳۷۲۷ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۹
اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۵۳

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا

امسال به دلیل شیوع کرونا مردم سخنرانی رهبر انقلاب را در روز جهانی قدس از طریق تلویزیون تماشا کردند/ عکس: مریم داورنیا، مهر



از روزگار رفته

ما دوم خردادی‌های ناگزیر

گیسو فقفوری

ما که دوم خرداد ۷۶ را یاد داریم، خود را به اندازه پوست‌رهایی که چسباندیم و جلساتی که رفتم و دعوای و جالش‌هایی که در دانشگاه و خیابان‌ها داشتیم و رایی که در صندوق انداختیم و ... و پس از آن در شکل‌گیری‌اش، در موج اصلاحاتی که آغاز شد و ... همه و همه و... سهیم می‌دانیم. در آن روزها، فارغ از آنچه سیاستمداران در حال انجامش بودند و راینی‌هایی که داشتند، ما بعنوان «مردم»، بعنوان «روزنامه‌نگار»، بعنوان یکی از «۲۰ میلیون» امیدها و آرزوهامان را در انتخاب مردی می‌دیدیم که خوشحال بودیم جلسات سخنرانی رئیس‌جمهورمان با استقبال روبه‌رو می‌شود. خوشحال شدیم که نظریه «گفت‌وگوی تمدن‌ها» از سوی کشور ما در سازمان ملل پذیرفته می‌شود، خوشحال بودیم که در هنر و فرهنگ و ... شور و شوق پدید آمده، خوشحال بودیم که نهادهای مدنی پروبال می‌گیرند و خوشحال بودیم که خیز اقتصادی برداشته‌ایم. هرچند خیلی زود و تنها دو سال بعد حادثه خوابگاه دانشگاه تهران رخ داد. اندکی بعدتر هم دست‌نگیری‌ها و بحران‌ها شکل دیگری به خود گرفت. هر سفر رئیس‌جمهور، با بحران داخلی روبه‌رو بود، اما امید به تغییر داشتیم و اینها را پله‌های تغییر می‌دانستیم، فکر می‌کردیم اگر مجلسی همدست شکل گیرد، مسیر هموارتر می‌شود و به امیدهایمان و به آرزوهایمان بهتر می‌رسیم، با همین امید بود که خرداد ۷۹ اصلاح‌طلبان بر کرسی‌های سبز نمایندگی مجلس نشستند تا شاید پشتوانه‌ای برای امید شکل گیرد. لوابی‌حی که با بن‌بست‌های شورای نگهبان روبه‌رو می‌شد، خود ماجرابی دیگری بود. امید کم‌رنگ شده بود و خرداد دیگری از راه رسیده بود و ما بودیم و مردی که بار دیگر آمد و اعتبار و آبروش را در طبق اخلاص گذاشت و ما دوباره در صف رای ایستادیم تا نهاد نوپای دموکراسی زیر سؤال نرود که انتخاب کنیم و به انتخابیان ایمان و امید داشتیم و می‌دانستیم، شاید نتواند، شاید نشود، اما صدای خواستن را به گوش دیگران می‌رسانیم. رای ما دوباره همان «سید خندان» بود که اکنون و در این روزگار، نه «بلخندش خربدار دارد و نه «تکرار»ش می‌تواند امیدبخش باشد. این چرخه با امیدواری ما ادامه پیدا کرد، ما امیدمان را از دست دادیم، ما آمده بودیم که سختی‌ها را بپذیریم، ولی ما فراموش کردیم، دل‌سرد شدیم و رها کردیم، ما یادمان رفت که تا آخر خط همراه باشیم. رها کردیم و عرصه را به دیگران سپردیم، وانهادیم و رفیقیم تا دیگری بیایند و به یاد بیاورند چقدر راحت می‌شود جور دیگر رفتار کرد، صندوق ذخیره ارز را خالی کرد و ... کمی که گذشت، ترسیدیم و دوباره آمدیم و پشت مردی که آمده بود گفتمان را عوض کند، ایستادیم و خرداد ۸۸ بود و صدای تغییر در خیابان به گوش می‌رسید... اما حالا مایی که این سال‌ها و انتخاب‌ها را پشت‌سر گذاشته‌ایم، خسته و ناامیدیم، همانند جوانانی که از دوم خرداد فقط نامی شنیده‌اند؛ جوانانی که اکنون و با گذشت ۲۳ سال از اهمیت آن «دوم خرداد» می‌پرسند و ما نه آمیدی در کوله‌بار خود داریم و نه توانی برای امیدوارکردن دیگران. حالا دیگر همه ما - مایی که حقیقت دانستن بود و قرار بود در شکل‌گیری جامعه مدنی نقش داشته باشیم - انکار همه‌چیز را به دست تقدیر سپرده‌ایم و آمیدی برای باز شدن فضای سیاسی و تغییر گفتمان نداریم. ما در برابر جوانانی که پر از پرسش هستند و ناامیدی ما را به سخره می‌گیرند، دستانمان خالی است. هیچ حرف مشترکی با یکدیگر نداریم و آنان مدام به ما یادآوری می‌کنند که از صحنه سیاست به اجتماع آمده‌اند و امید به تغییر را در تغییرات اجتماعی جست‌وجو می‌کنند.

اتفاق

تندیس جهان‌آرا برای انستیتویاستور



به مقابله با کروناویروس به این مؤسسه اهدا شد. در ابتدای این مراسم، دکتر علیرضا بیگلری، رئیس انستیتویاستور ایران، به اجمال به شرح خدمات صدساله انستیتویاستور ایران در حوزه‌های مختلف و به‌خصوص در کنترل اپیدمی بیماری‌های آبله، وبا، طاعون و سل پرداخت و گفت با کار جهادی‌ای که انجام شده خوشبختانه در حال حاضر در تمام استان‌های کشور امکانات تشخیصی کروناویروس فراهم شده است. در این مراسم، پرویز پرستویی ضمن ابراز خشنودی از حضور در انستیتویاستور ایران، کار متخصصان این نهاد را در نبرد رزمندگان دفاع مقدس مقایسه کرد. مراسم اهدای تندیس توسط پرویز پرستویی و ملام صالح قاری و ترکس کلباسی صورت گرفت.

www.sharghdaily.ir

شنبه ۳ خرداد ۱۳۹۹ • ۲۹ رمضان ۱۴۴۱ • ۲۳ می ۲۰۲۰
سال هفدهم • شماره ۳۷۲۷ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۹
اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۵۳

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا

امسال به دلیل شیوع کرونا مردم سخنرانی رهبر انقلاب را در روز جهانی قدس از طریق تلویزیون تماشا کردند/ عکس: مریم داورنیا، مهر



زیر آسمان ایران

مسافران خسته از ویروس

مهدی ملک‌محمد . روان‌شناس

سه ماه از همه‌گیری کووید۱۹ در ایران گذشته و مردم ایران خسته از این ویروس به خرداد وارد شدند و البته مشتاق سفر در تعطیلات عیدفطر و خرداد شده است. این در شرایطی است که استان خوزستان در حال دست‌نویچنه نمرکردن با خیزش کرونا است و چند استان دیگر نیز به وضعیت هشدار رسیده‌اند. از طرف دیگر، برگفته وزیر بهداشت، ایران هنوز به مرحله مهار کرونا نرسیده و آمارهای اعلامی روزانه ازسوی سخنگوی وزارت بهداشت نشان از روند صعودی مبتلایان می‌دهد. از همین‌رو، وزیر بهداشت و دیگر مسئولان این وزارتخانه از مردم در خواست کرده‌اند تا از سفر بپرهیزند و در خانه‌هایشان بمانند، درخواستی که گزارش‌های پلیس راهور در دو روز اخیر نشان می‌دهد با بی‌اعتنایی بخش قابل‌توجهی از ایرانیان مواجه شده و جاده‌ها به‌سبب سفر ایرانیان با ترافیکی سنگین مواجه شده و البته پیش‌بینی می‌شود که حجم این سفرها افزون‌تر نیز شود. از این نکته بگذریم که چرا برخورد درخواست‌های همه‌جانبه از مردم برای خانه‌نشینی در تعطیلات عید نوروز و روز طبیعت، اکنون فقط مسئولان وزارت بهداشت هستند که چنین درخواستی از مردم دارند و دیگران با سکوت کرده‌اند یا مانند وزیر گردشگری که در اندیشه جبران خسارت‌های کلان فعالان این حوزه است، تلویحا مردم را به سفر ترغیب می‌کنند. طرفه آنکه طبق گزارش این سازمان، روز سی‌ویکم اردیبهشت رکورد تعداد مبتلایان در یک شبانه‌روز در جهان شکسته شد و این نشان می‌دهد که ویروس هنوز از نبرد عقب‌نشینی نکرده است. در این وضعیت، راحت‌ترین راهکار آن است که همچون رئیس‌جمهور محترم، مردم را مسئول بدانیم و باور داشته باشیم اگر استان خوزستان با موجی شدید از ابتلا به کرونا مواجه شده، به‌علت رعایت‌نکردن پروتکل‌ها از طرف مردم است. در این نگاه، انسان موجودی کاملا آگاه تلقی می‌شود که می‌تواند بی‌توجه به محیط فقط آنچه را برایش تجویز شده است، رعایت کند؛ مانند پزشکی که از بیمار انتظار دارد بر عبور از شرایط بچرانی و روند نزولی ابتلا به کرونا و نیز غذاهای پروتئین‌دار بخورد. درحالی‌که مطالعات روان‌شناسان و عصب‌شناسان نشان می‌دهد بسیاری از رفتارهای آدمی تابعی از شرایطی است که در آن زندگی می‌کند و نیز محصول عملکرد مغز که به‌لحاظ تکاملی آموخته که به‌گونه خاصی فعالیت کند. یعنی چه؟ یعنی انسان نمی‌تواند فاصله‌گذاری اجتماعی را با دقتی مانند گذشته رعایت کند و به سفر برود، درحالی‌که هر روز از تریبون‌های مختلف، موفقیت‌های کنشورش در عبور از شرایط بچرانی و روند نزولی ابتلا به کرونا و نیز عبور از مرحله کنترل و مدیریت و رسیدن به مرحله مهار بیماری در آینده‌ای نزدیک را می‌شنود. ممکن است گفته شود این موفقیت‌ها به معنای عبور کامل از بیماری نیست و شرایط قابل بازگشت است! چنین توجیهی به معنای نادیده‌گرفتن عملکرد مغز انسان است، چراکه مغز آدمی به دو علت نمی‌تواند چنین توجیهی را در نظر داشته باشد؛ اول اینکه مغز انسان به‌لحاظ تکاملی نیاموخته که به مدت طولانی در شرایط هشدار قرار داشته باشد و دوم، مغز نمی‌تواند یک شرایط تابانیی -هم این و هم آن- را به‌خوبی تحلیل کند. برای مغز یا یک کاری درست است یا نادرست، یا وضعیتی مساعد است یا نامساعد و ماندن در بین این دو وضعیت برایش امکان‌پذیر نیست. نظریه مشهور ناهمانگی شناختی لئون فستینگر نیز از همین واقعیت مغز برگرفته شده است که در آن، انسان نمی‌تواند معتقد باشد که با رفتارهایش متناقض است و به‌سرعت تلاش می‌کند رفتارش را به سود دیگری تغییر دهد. اگرچه به‌دلیل مقاومت مغز در برابر ماندن در شرایط هشدار به مدت طولانی، امروز پس از سه ماه به‌سختی می‌توان مردم را همچنان به رعایت پروتکل‌ها ترغیب کرد و این البته اشکال مردم نیست و مدیران باید از همان روز اول با درک چنین واقعیتی، قرنطینه سراسری را وضع کرده و کشور را نهایتا تا دو ماه از این وضعیت عبور می‌دادند تا با مقاومت مغز شهروندان نیز مواجه نشوند. تنها راهکار باقی‌مانده بیان واقعیت‌ها بدون هیچ‌گونه تلاش برای عادی نشان‌دادن شرایط بیماری در کشور است. باید به مردم گفته شود که کشورمان هنوز در بین کشورهای جهان، انظر تعداد مبتلایان جدید در یک شبانه‌روز رتبه نهم، انظر تعداد مرگ در یک شبانه‌روز رتبه پانزدهم، انظر نسبت تعداد مبتلایان در هر یک میلیون نفر جمعیت رتبه ۵۱ و انظر نسبت مرگ در هر یک میلیون نفر جمعیت در رتبه ۲۷ جهان قرار دارد و باوجود تغییرات رتبه‌ای قابل ملاحظه کشورهای مختلف، ایران و آمریکا از معدود کشورهایی هستند که در یک ماه گذشته رتبه‌هایشان تغییر معناداری نداشته است. بیان این واقعیت‌ها نادیده‌گرفتن تلاش‌های بی‌وقفه کادر بهداشتی و درمانی کشور یا کم‌رنگ جلوه‌دادن نقش تحریم‌ها علیه مردم ایران یا ایجاد ناامیدی نیست، بلکه احترام به عملکرد مغز ایرانیان است که مطابق با قوانین آن می‌توان تا حدودی وادارش کرد که تا اطلاع ثانوی دهمه زور هشدار را روشن نگه دارد. این کار را مغز باوجود میل تکاملی‌اش انجام خواهد داد اگر دریابد وضعیت همه‌گیری بیماری به دلایل مختلف، هنوز در شرایط مناسبی نیست و مسئولان دولتی میل شدیدی برای مطلوب نشان‌دادن روند بیماری در کشور دارند.

سلام به فردا

بحران کرونا و مسئله گروه‌های اجتماعی حاشیه‌ای

حسین ایمانی‌جارجمی

دانشیار مطالعات توسعه اجتماعی دانشگاه تهران

به این مسئله وجود ندارد و توپ سیاست‌گذاری و اقدام میان استانداری، سازمان بهزیستی و شهرداری تهران در حال گردش و پاس‌کاری است. حتی آمار دقیقی هم از تعداد معتلدان متجاهر و خیابانی وجود ندارد و مشخص نیست چه میزان از بودجه و امکانات باید برای ساماندهی اوضاع آنها درنظر گرفت و باز هم معلوم نیست براساس کدام پروتکل باید با معتادان در شرایط کرونایی برخورد کرد. بروز این دسته مشکلات نشان می‌دهد که سیاست فاصله‌گذاری اجتماعی و توصیه به «درخانه‌ماندن» فقط به بخش‌های برخوردار و متمکن جامعه توجه کرده و گروه‌هایی با وضعیت و شرایط خاص مانند مهاجران و معتادان از شمول این سیاست خارج هستند، در نتیجه مشکلات و شرایط به‌دین دسته از افراد به‌دنبال بروز بحران کرونا وخیم‌تر شده است.

تأثیرات اجتماعی تغییرات حاصله از بحران کرونا هنوز چندان شناخته‌شده نیست. می‌دانیم که به‌سبب اجرای سیاست فاصله اجتماعی بسیاری از فعالیت‌های معمول جامعه در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تعطیل شده یا به حالت تعلیق درآمده است. درنتیجه افراد زیادی در حوزه‌هایی چون کسب‌وکار، روابط خانوادگی و آموزش، متحمل تغییرات و تأثیرات حاصل از این سیاست شده‌اند. برخی بنگاه‌های اقتصادی ناچار شده‌اند برای کاهش هزینه‌ها، نیروی‌های خود را تعدیل کنند و بر خیل بی‌کاران بیفزایند. درآمد افرادی مانند رانندگان تاکسی به‌شدت کم شده و تأمین هزینه‌های زندگی برای آنها دشوار شده است. فعالان کسب‌وکارهای خدماتی چون آرایشگری، کافه‌داری، رستوران‌داری و باشگاه‌های ورزشی مدت زیادی است که کرکره مغازه‌ها و مراکز کسب خود را پایین کشیده و هنوز به آنها اجازه بازگشایی داده نشده است و آنها کم‌کم به‌سبب قطع درآمد با مشکلات گوناگونی مواجه سررسید اقساط و پرداخت اجاره‌ها درگیر هستند. این مسائل نشان می‌دهد که با وجود آنکه بیشترین آسیب‌ها از بحران کرونا نصیب گروه‌های حاشیه‌ای شده است، اما آنها غایبان بزرگ سیاست‌های تدوین‌شده برای مقابله با بحران هستند. در حال عدالت اجتماعی حکم می‌کند که در هنگام بحران توجه خاص و ویژه‌ای به افراد و گروه‌هایی شود که وضع منزلی دارند و در صورت عدم رسیدگی این وضع می‌تواند بدتر شود.

رسانه

روایت یک «پارادایم‌شیفت»

پژمان موسوی

بسیاری مانند نیاز به شهروندان فهیم درخصوص روش‌های اطلاعاتی نظرات و ایده‌های جدید خلق‌شده، تقسیم و جریان اطلاعات در جوامع مدرن را برای دولت‌ها ایجاد کرده است، به‌طوری‌که باعث شده دولتمردان به موازات برنامه‌ریزی جهت رشد اقتصادی، رفع کامل بی‌کاری‌ای از طریق رشد کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی، خواهان راه‌های مناسب برای مواجهه با رسانه‌ها و تأثیر آنها بر هر یک از افراد جامعه باشند. یکی از راه‌هایی که در سالیان اخیر در همین راستا مورد توجه کشورهای زیادی قرار گرفته است، «سواد رسانه‌ای» است. امروزه سواد رسانه‌ای مانند سواد که آغازی برای قرن نوزدهم بود، به‌عنوان مرکزی برای فعالیت و روابط شهروندی کامل تعریف می‌شود. جوامع مختلف روز‌به‌روز به طور فزاینده‌ای به تکنولوژی ارتباطات دیجیتال وابسته می‌شوند. دنیای اطراف ما به‌سرعت در حال تغییر است و تکنولوژی‌های ارتباطی و رسانه‌ای گوناگون به جزئی مهم در زندگی ما بدل شده‌اند و دانش استفاده از این تکنولوژی‌ها به‌طور رو به‌افزایشی به شرط لازم برای مشارکت مؤثر در جامعه و اقتصاد تبدیل شده است. وقتی الگوهای سنتی کشورهای مختلف نظیر محتالای به منظور کاهش خطرات بالقوه کم‌آثرتر می‌شوند، باچریم در نظرگرفتن والدین، پرستاران و سایر افراد، مسئولیت بیشتری را برای آنچه آنها و بچه‌ها در تلویزیون، رادیو و اینترنت می‌بینند و می‌شنوند، برعهده بگیریم. این اصلا به معنای محدودیت نیست که دقیقا انتخابی است که بر اساس سواد رسانه‌ای صورت می‌گیرد و بر استانداردهای آن استوار است. اما سواد رسانه‌ای دقیقا چیست و عمل به استانداردهایش ضامن عمل به چه چیزهایی است؟ دو تعریف، سواد رسانه‌ای را به بهترین شکل توضیح می‌هد: یک تعریف می‌گوید: «توانایی دسترسی، تجزیه‌وتحلیل، ارزیابی و برقراری ارتباط پیام‌ها در طیف گسترده‌ای از اشکال» و دیگری آن را «توانایی انتخاب، درک، جست‌وجو، ارزیابی، خلق یا تولیدکردن و پاسخ‌دادن به زمینه‌های محتوا، شکل یا حالت، اثر، صنعت و تولید رسانه‌هایی که ما آنها را مصرف می‌کنیم» تعریف می‌کند. این تعریف همچنین سواد رسانه‌ای را توانایی دسترسی، تجزیه‌وتحلیل، ارزیابی و خلق اطلاعات در تمامی اشکال رسانه‌ای، به چایی که غیرچرایی می‌ی‌آند. وضعیت ما ایران‌این بر اساس این‌دو تعریف، حکایت از راه درازی است که در پیش است، راهی که باید «سواد رسانه‌ای» را جدی گرفته، به استانداردها و قواعدش عمل کرده و آن را نه مفهومی برای کتاب‌ها و کتابخانه‌ها بلکه روشی برای زندگی در متنی جهان رسانه‌ای‌شده این روزگار بداند.

روزها

«سوم خرداد» روز مقاومت، ایثار و پیروزی

رمزفتح وراز ظفر



● آمده بودند تا بمانند. این را من نمی‌گویم، خودشان می‌گفتند و بر دیوارهای خرمشهری که «محمره»اش می‌خواندند چنین نوشته بودند: «چشنا لنیقی». اما جوانانی از جنس آب و آینه، پای در رکاب کردند و با لبیک به ندای «هل من ناصر» مراد و پیشوایشان، جان خویش را در طبقِ اخلاص نهادند. خرمشهر ما، خونین‌شهر شد ولی «محمره» نشد. چرایی و چگونگی آن را کسانی می‌دانند که لشکریان تا بُن دندان مسلح «صدام حسین عبدالمجید التکریتی» را از نزدیک لمس کرده‌اند؛ همان‌هایی که جوانمردانه بر میناق خونین خود پایدار ماندند تا ماندگار شدند با آثانی که در دل، بر عهد خویش وفادار بودند و همچنان مانده‌اند یا لاله‌های بی‌نشانی که در دشت‌های نفتیده جنوب وکوه‌های سر به فلک‌کشیده غرب، همدمی جز نسیم صحرا و پناهی جز مادرشان حضرت زهر(اس) ندارند. اشغال ۲۰ ماهه خرمشهر، راهی‌ای آن را به ضرورتی حماسی و آرزویی حیاتی برای ملت ایران تبدیل کرده بود و از منظر استراتژیک نیز میحت مهمی برای جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شد. از این‌رو، آزادسازی خرمشهر، تأثیرات فراوانی بر خودباوری و روحیه ایثارگری و استقامت مردم و مسئولان گذاشت. امام خمینی(ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی با شنیدن خبر آزادی خرمشهر در همان روز (سوم خرداد ۱۳۶۱) پیامی را صادر کردند و در تحلیل از رزمندگان فرمودند: «اتان فوق تشکر اتانل من هستند». امام در این پیام از مردم و نیروهای مسلح خواستند: «هوشیار باشید که پیروزی‌ها هرچند عظیم و حیرت‌انگیز است، شما را از یاد خواند که نصر و فتح در دست اوست؛ غافل نکند و غرور و فتح شما را به خود جلب نکند؛ که این آفتی بزرگ و دامی خطرناک است که با وسوسه شیطان به سراغ آدم می‌آید و برای اولاد آدم باهی می‌آورد». و در ادامه تصریح کردند: «اکنون دست تضرع و دعا به سوی خالق یکتا بلند کرده و به قوای مسلح اسلام و فدائگران قرآن کریم و میهن عزیز ایران دعا می‌کنم، و سلامت و سعادت و پیروزی آنان را خواستار هستم». حضرت امام(ره) هشت ماه بعد در پیامی به مناسبت چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، به ارزیابی وضعیت انقلاب اسلامی پرداختند: «رزمندگان عزیز ما نباید این پیروزی معجزه‌آسا را جز با مدهدای الهی ببینند و اگر چنین شد، غرور آنها خلاصه می‌شود در اینکه ما مورد عنایت قادر متعال هستیم و از خود چیزی نداریم و آنچه داریم از اوست و باید به راه او تار کنیم، و اینجااست که خواندن عنایات خود را ادامه می‌دهد، و شما سلحشوری و جنگ شرافتمندانه را برای دفاع از اسلام و میهن اسلامی ادامه می‌دهید، و به خواست قادر متعال به پیروزی نهایی دست خواهید یافت». بی‌گمان هر پیروزی عظیم و دستاورد مهمی، آفت‌های بزرگی را نیز به دنبال دارد. آفت‌هایی که در صورت بروز و ظهور آن، نه تنها نصرت و ظفر که پایداری و مقاومت در مسیر حفظ آن را به چالش کشیده و با مشکلاتی مواجه می‌کند: «با حب نفس و حب جاه و کبر و غرور نمی‌توان مقاومت کرد». در مختصات فکری بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، غرور و تکبر «ام‌الفساد» است و در این چارچوب، فتح خرمشهر «مدیهای الهی» اعلام می‌شود تا همه تسلل‌ها در تمامی عصرها بداندند که احساس غرور و پیروی از هوای نفس، راهبری الهی را کم‌رنگ و راهمناهی شیطانی را تقویت می‌کند. امام خمینی(ره) (پایه‌های توفیق در جهاد اصغر (مبارزه با دشمن) را بر موفقیت در جهاد اکبر (مبارزه با نفس) استوار کرده و ضمن تقویت روحیه خودباوری و اعتماد به نفس فاتحان خرمشهر، بر خداباوری و خداباوری تأکید می‌کند. باورمندی چنین اندیشه و اندیشه‌ای، ظفرآفرین و نویدبخش نصرت الهی است و غفلت از آن و عدم عنایت به استگاه اصلی قدرت و درگیری با اغراض نفسانی و وسوسه‌های شیطانی، زمینه‌های ناگامی و شکست را فراهم می‌آورد. در سبک‌شناسی مدیریت علوی این نکته به‌وضوح قابل مشاهده است که امیر مؤمنان (ع) صراحتا تقاخر و تکبر را مانعی در برابر پیروزی اعلام می‌کند: «کسی که سراب‌ها او را فریب دهد و مغرور سازد اسباب (نجات) از او قطع می‌شود». موضوعی که در کلام سردار شهید علی‌چیت‌سازیان (فرمانده اطلاعات عملیات لشکر ۲۲ انصارالحسین(ع) همدان) نیز متجلی شده است: «کسی می‌تواند از سیم خاردارهای دشمن عبور کند که سیم خاردار نفس گیر نکرده باشد». و پیروی از این اندیشه و سبک‌شناسی، رمز فتح رزمندگان در میدان‌های نبرد هشت سال دفاع مقدس بود. روش و منشی که غفلت از آن، سقوط در مهلکه خویشینی و خودپسندی را در پی دارد و بنیان و بنیاد برخی اشفقتی‌ها و پریشانی‌ها را باید در عدم عنایت به آن روحیه متعالی جست‌وجو کرد. در ظفر رزمندگان در دوران جنگ تحمیلی، بیش و پیش از آنکه به‌رهمکاری از ادوات نظامی مدرن و جنگ‌افزارهای نوین باشد، خلوص نیت و عبور از ورطه غرور و تکبر بود و مراجعت به خلصت و طینت فاتحان خرمشهر، راه‌گشای امروز ما برای مقاومت و پیروزی در همه عرصه‌هاست.

◀منابع در دفتر روزنامه موجود است